

اهداف و استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

قسمت هفتم



دکتر محمد رضا حافظ نیا

اهداف و استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

برای بررسی اهداف و استراتژی شوروی در منطقه لازم است ابتدا نظری به وضعیت جغرافیایی شوروی انداخته شود تا امکان درک اهداف آن کشور بیشتر فراهم گردد. شوروی کشوری است پهناور در نیمکره شمالی، که از حیث دسترسی به دریا در وضعیت نامساعدی قرار دارد و از شمال با مناطق یخ بندان قطبی روبروست و از سمت شمال غرب و شمال شرق بدلیل سرما و یخ بندان در بخشی از سال دچار مشکل می‌باشد و به عبارتی گذرگاه‌های شمال شبه جزیره اسکانندیناوی در غرب و شمال ژاپن و ساخالین در شرق، در تمام سال قابل استفاده نیست. از طرفی دیگر این گذرگاهها از سوی نیروی دریایی آمریکا و ناتو کنترل شده و بهنگام بحران برای شوروی غیر قابل استفاده می‌شود. شوروی دو مسیر دریائی مرتبط با خاک خود در شمال و جنوب اروپا دارد، در شمال اروپا گذرگاه بالتیک و دریای شمال و در جنوب اروپا

گذرگاه دریای سیاه و مدیترانه که در زمان صلح و براساس کنوانسیون حقوق دریاها برای آن کشور قابل استفاده می‌باشد. ولی بهنگام بروز بحران و جنگ با دول غربی و هم پیمانان ناتو این دو گذرگاه برای شوروی از اختیار انتفاع می‌افتد و شوروی با موانع متعددی در مسیر هریک از دو گذرگاه روبرو می‌شود که مهم ترین آنها در مسیر بالتیک به اقیانوس اطلس، تنگه‌های آکات گات و اسکاژواک است و در مسیر مدیترانه به سمت اقیانوس اطلس تنگه‌های بسفروداردانل و جبل الطارق و گذرگاه‌های مدیترانه قرار دارد و در مسیر مدیترانه به اقیانوس هند علاوه بر تنگه‌های ترکیه موانع کانال سوئز و دریای سرخ و تنگه باب المندب واقع است که شوروی برای کنترل هریک از دو گذرگاه مزبور ناچار به در اختیار داشتن سرزمین‌ها و کشورهای و مسافت‌های زیاد است که عملاً غیر ممکن بنظر می‌رسد. ناگفته نماند که شوروی در گذرگاه شمال شرق بین کامچاتکا و ژاپن مشروط به عقب راندن نیروی دریائی رقیب، قدرت باز شدن در شمال اقیانوس

کبیرا دارا است. کشور شوروی در سایر مناطق امکان دسترسی به دریای آزاد را ندارد و در قسمت جنوبی خود با فاصله حدود یک هزار مایل با آب آزاد اقیانوس هند فاصله دارد ولی ایجاد یک مسیر ارتباطی به آب‌های آزاد اقیانوس هند از طریق این قسمت که جدار نازک ریملند را نیز تشکیل می‌دهد امکان مناسبی برای برقراری ارتباط شوروی با آب‌های آزاد جهان را فراهم می‌نماید.

از طرفی دیگر روسیه شوروی حامل یک تجربه تاریخی است که مرتباً از شمال به جنوب گسترش یافته است، بطوریکه از سال‌های ۱۷۳۴ (م) روسیه از شمال دریایچه‌های آرال و بایکال به سمت جنوب باز شده و آسیای مرکزی و مناطق قزاقستان تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، آذربایجان و ارمنستان، را متصرف شده و در سال ۱۹۴۱ ایران را بنا هماهنگی متفقین مورد تهاجم قرار داد و در سال ۱۹۷۹ به افغانستان تجاوز نموده و آن را اشغال نظامی کرده است.

وضعیت جغرافیائی نامساعد و قاره‌ای بودن آن و نیاز به دسترسی به آب‌های آزاد به همراه تجارب تاریخی عامل مهم و تعیین کننده‌ای در استراتژی شوروی، بوده و باعث شده است که چه در دوره حکومت تزارها و چه در دوره حکومت کمونیست‌ها، دسترسی به اقیانوس هند بصورت یک هدف آرمانی در رفتار شوروی تجلی پیدا نماید، در واقع تمایل به رسیدن به آب‌های گرم و خروج از انزوای جغرافیائی، استراتژی سنتی شوروی را باعث شده است.

دسترسی به منطقه خلیج فارس و دریای عمان از دو جهت برای شوروی ارزش دارد یکی از حیث ارتباطی و دوم از حیث جنبه‌های نظامی استراتژیک. شوروی می‌تواند از طریق دریای عمان و خلیج فارس و بویژه نقاط بندرگاهی چاه بهار و بندرعباس پیوندهای تجاری و اقتصادی خود را با جنوب آسیا و شرق دور و استرالیا و آفریقا و از همه مهمتر کشورهای حاشیه

خلیج فارس تقویت نماید. این مسئله بویژه با استراتژی جدید گورباچف مبنی بر پذیرش اقتصاد بازار و ضرورت ارتباط تجاری و اقتصادی با دنیای خارج از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از حیث نظامی - استراتژیک:

اولاً خلیج فارس و دریای عمان و بویژه تنگه هرمز سطح تماس استراتژی بزرگ با استراتژی بحری است و جلوگیری از نفوذ قدرت دریایی به جدار نازک ریملند مستلزم حضور در سواحل شمالی اقیانوس هند و دریای عمان و بویژه تنگه هرمز است.

ثانیاً شکستن محاصره دریایی شوروی از سوی قدرت دریایی غرب و امریکا، مستلزم داشتن ناوگان دریایی و پایگاه مناسب و بدون مانع در حاشیه آبهای آزاد جهان است و سواحل دریای عمان نسبت به بقیه سواحل شوروی بهترین شرایط را دارد و در مقابل آن مانعی وجود نداشته و با آبهای آزاد اقیانوس که امکان مانور دریایی را در اختیار قرار می دهد روبروست.

ثالثاً داشتن پایگاه و تسهیلات دریایی در شمال اقیانوس هند به معنی کامل کردن مثلث استراتژیک شوروی در اقیانوس هند است که در آن حال حاضر در رأس آن خلأ وجود دارد که در آن صورت مثلث یمن، هندوستان و بلوچستان کامل می شود.

رابعاً بعضی از استراتژیست ها معتقدند که عصر قدرت قاره ای و قدرت سطح دریا و قدرت هوا جای خود را به عصر قدرت زیر دریا می دهد و غلبه بر قدرت رقیب و یا حفاظت از خود مستلزم داشتن امکان قدرت زیر دریا می باشد. دسترسی به اقیانوس هند و سواحل عمیق دریای عمان شوروی را از امکان توسعه قدرت دریایی سطحی و زیر دریایی برخوردار می نماید.

خامساً حضور در خلیج فارس و اقیانوس هند امکان کنترل شبکه راه های دریایی به ویژه در تنگه هرمز را برای شوروی فراهم می آورد.

مجموع این شرایط به اضافه شرایط دیگری که متعاقباً مورد بحث قرار خواهد گرفت منجر به

شکل گیری آرمان دسترسی به آب های گرم آزاد جنوب یعنی دریای عمان و تفکر استراتژیک زمامداران روسیه شوروی شده است، ریشه این تفکر به پتر کبیر نسبت داده می شود که او در بند (۹) وصیتنامه اش به آن اشاره نموده است که چنین می گوید:

«نزدیک شدن هر چه بیشتر به قسطنطنیه و هند، کسی که این منطقه را در دست داشته باشد مالک تمام جهان خواهد بود، پس برای رسیدن به این مقصود باید به جنگ های دائمی دامن زد، نه فقط در ترکیه بلکه همچنین در ایران. تأسیس کارگاه های کشتی سازی در اطراف دریای سیاه، تصرف تدریجی این دریا که مانند دریای بالنیک برای اجرای طرح های مالروم قطعی دارد و نفوذ تا خلیج فارس با تضعیف ایران و در صورت امکان برقراری مجدد روابط تجاری سابق با مشرق زمین.

پس از آن پیشروی تا هندوستان که انبار گنجینه های جهان است، پس از دستیابی به آنجا دیگر به طلای انگلیس احتیاجی نخواهم داشت.»

همانطور که ملاحظه می شود او اندیشه دسترسی به هندوستان و برقراری روابط تجاری از طریق دریا را مد نظر داشته است و اگر چه عده ای آن را جعل شده می دانند ولی تفاوت نمی کند، به هر صورت وجود چنین تفکری در استراتژی روسیه شوروی مهم است و اینکه چه کسی گفته و یا اینکه معمول هست یا نیست چندان اهمیتی ندارد.

پتر کبیر که از تزارهای اخاندان رومانوف بوده و دارای کفایت و عزم و شایستگی بی نظیری بود در دوران شاه سلطان حسین صفوی بر شوروی حکومت می کرد (۱۷۲۵-۱۶۸۲ م) او بمحض پیدا کردن قدرت و توان لازم شروع بر تجاوز به کشورهای همسایه منجمله ایران نمود، وی در سال ۱۷۲۲ (م) هجوم خود را آغاز و قفقاز و شهرهای گیلان، باکو و ایالات شمالی ایران را تصرف کرد و طی قراردادی که بین او و شاه طهماسب بسته شد، استان های مازندران، آذربایجان و گیلان به روسها واگذار گردید. تعارض تجاوز روسیه با منافع دولت عثمانی

باعث اعلان خطری از ناحیه دولت عثمانی شد و نتیجتاً پتر کبیر به روسیه مراجعت کرد. در سال ۱۷۲۵ (م) مجدداً روسها به ایران حمله کرده و با نیروهای شاه طهماسب در گیلان جنگیدند و لاهیجان به تصرف روسها درآمد، ولی بعزت مرگ پتر کبیر تهاجم روسها به سایر نواحی ایران عقیم مانده و به روسیه عزیمت نمودند. روسها در لشکرکشی های بعدی خود به قصد تصرف خلیج فارس تا شهرهای همدان و اصفهان و کرمانشاه پیش رفتند ولی نتوانستند به سواحل خلیج فارس برسند.

اهمیت نفوذ به جنوب و هندوستان بعدها مورد توجه تزارهای روس قرار داشت بطوریکه پل اول در سال ۱۸۰۰ (م) طی دستورالعملی به فرمانده کل قزاق های روسیه نوشت:

«من این قوای اعزامی را تحت فرماندهی شما فرامی دهم و این مأموریت امتیازات زیادی برای تمام شماها فراهم خواهد نمود و برای ما ثروت زیادی تولید خواهد گردید و یک بازار خوبی برای متاع مملکت ما تهیه خواهد شد و ضربت مهلکی به قلب دشمن وارد خواهد آمد، ضمناً ما یک وطیفه دیگر خود را نیز انجام داده ایم که آن آزاد نمودن سکنه هندوستان است. ملل هندوستان بعدها مطیع ما خواهند بود چنانکه امروز مطیع انگلیس ها می باشند و ما باید کلبه تجارت آن مملکت وسیع را برای خود اختصاص دهیم.»

چارلز هاردینگ سفیر انگلیس در تهران گفت:

«هدف روسها آن است که تا جنوب یعنی تاسستان ریشه بدوانند تا بتوانند مرزهای هندوستان را دور بزنند... از نظر انگلیسی ها سیستان دارای ارزش فراوان سوق الجیشی بود که تصرف آن اقدام مقدماتی برای پیشروی همه جانبه به هندوستان با حمله به افغانستان تلقی می شد.»

بعد از پیروزی انقلاب روسیه یکی از نویسندگان بلشویک بنام تروپاتوفسکی به موقعیت ایران بعد فرهنگی و ایدئولوژیکی می دهد و در سال ۱۹۱۸ چنین می نویسد:

«اهمیت ایران در ایجاد استرناسیونال شرقی

بسیار شایان توجه است... ایران دری است که باید از آن برای استیلا بر در انقلاب شرق یعنی هندوستان عبور کرد و ما باید انقلاب ایران را برانگیریم... قیام ایران نشانه یک رشته انقلابی خواهد بود که در سراسر آسیا و قسمتی از آفریقا منتشر خواهد شد، انقلاب ایران مفتاح تمامی شرق است... ایران کانال سوئز انقلاب است و ایران برای توفیق انقلاب شرق نخستین کشوری است که باید توسط شوروی ها تسخیر شود، این مفتاح گرانبهای قیام شرق باید به هر قیمتی که شده در دست بلشویسم باشد... ایران باید مال ما شود، ایران باید به انقلاب تعلق یابد».

در دوره استالین و بهنگام آغاز جنگ جهانی دوم که هیتلر در ابتدا قصد مصالحه با شوروی را داشت وزیر امور خارجه شوروی و نماینده استالین بنام مولوتف در سال ۱۹۴۱ شرایط این کشور را برای پذیرش پیشنهاد هیتلر، امکان تسلط شوروی بر جنوب باطوم و باکو یعنی ایران و عراق و بخش وسیعی از شبه جزیره عربستان تا عدن و کنترل خلیج فارس اعلام نمود، که بعداً مورد قبول هیتلر واقع نشد.

بعد از جنگ جهانی دوم و در نوامبر سال ۱۹۴۸ نقشه عملیات گسترده‌ای از جمله حمله برق آسا به خلیج فارس توسط یک ارتش زرهی شامل ۵۰ لشکر، در کنفرانسی که توسط ستاد ارتش شوروی و دفتر سیاسی حزب در حضور استالین تشکیل شد مورد بررسی قرار گرفت که اجرای این طرح با حضور سربازان روسی در آذربایجان همزمان بود که با هشدار ترومن رئیس جمهوری امریکا مبنی بر تهدید حمله اتمی، عملی نشد.

هدف دسترسی شوروی به آبهای آزاد خلیج فارس و دریای عمان چیزی نیست که به این سادگی تغییر کرده باشد و روسها در گذشته دنبال آن بودند و این هدف هنوز هم تغییر نیافته است. منتها شرایط و اوضاع و احوال منطقه‌ای و بین‌المللی امکان اجرای آن را به روسها نمی‌دهد و تهاجم روسیه به افغانستان از دید بسیاری از صاحب نظران کافی بود در جهت اجرای

هدف مزبور، که امکان تسلط بلند مدت شوروی را بر افغانستان فراهم کرد، و علی‌رغم خروج ظاهری نیروهای نظامی شوروی بنظر می‌رسد پایه‌های حضور بلند مدت آن محکم شده است، صاحب نظران مسائل استراتژیک پیش‌بینی می‌کنند که گام بعدی حرکت روسها از طریق بلوچستان ایران و پاکستان که دارای هویت ژئوپلیتیکی خاصی است به سمت سواحل دریای عمان صورت خواهد پذیرفت. شرایط ژئوپلیتیکی بلوچستان امکانات مناسبی برای مکان‌گزینی مسیر تحرک نظامی شوروی به سمت دریای عمان فراهم می‌نماید.

بعلاوه اینکه شوروی اقدام به گسترش ناوگان نیروی دریایی خود در اقیانوس هند نموده است و مانع ارتباط شوروی با ناوگان رو به توسعه و پایگاه‌های منطقه‌ای آن در اقیانوس هند، جدار نازک ریملند و سرزمین بلوچستان بین افغانستان و ساحل دریای عمان می‌باشد، هر چند اهداف حضور ناوگان شوروی در دریای عمان و اقیانوس هند علاوه بر اهداف استراتژیک و کمک به امنیت و دفاع از مشافع کشورهای منطقه نظیر تقاضای گویت برای اسکورت نفتکشها، می‌تواند موارد دیگری بشرح زیر نیز باشد:

ماه‌گیری، ایجاد ارتباط میان شرق و غرب اتحاد شوروی بهنگام یخندان بودن راه شمالی، بهبود بخشیدن تجارت و سایر روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، بستن راه چین به بخش‌های جنوبی آن، انجام برنامه‌های فضائی، تربیت کارمندان دریائی و آزمایش تجهیزات، بهره‌گرفتن از عقب‌نشینی بریتانیا و استفاده کردن از اقیانوس به منظور اعمال فشار دیپلماتیک روی مسالک ساحلی، تأثیر بر جریان نفت، منازعه اعراب و اسرائیل و ارتباطات دریائی...

اتحاد جماهیر شوروی در جستجوی اهداف دیگری نیز در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز است که شامل اهداف سیاسی، امنیتی و استراتژیک و اقتصادی می‌باشد. وجود اهداف استراتژیک غرب و امریکا در منطقه خلیج فارس به‌عنوان رقیب شوروی در موازنه قدرت جهانی

یکی از خاستگاه‌های هدف‌گزینی شوروی در این منطقه شده است. بدین معنی که کنترل ذخیره عظیم نفت خلیج فارس چه در رأس آن و چه در مدخل آن یعنی تنگه هرمز، موازنه استراتژیک جهان را به شدت تغییر داده و شوروی را در موضع قدرت قرار می‌دهد و این کشور می‌تواند از طریق کنترل نفت بر سیاست‌های جهانی تأثیر زیادی بگذارد و جریان امور جهانی را به نفع خود تمام کند، بر همین اساس رقابت دو قدرت جهانی بر سر کنترل خلیج فارس رقابتی ظریف و بسیار حساس می‌باشد و امکان بروز جنگ هسته‌ای و جهانی را بطور جدی افزایش می‌دهد. شوروی با علم به آسیب‌پذیری جدی غرب و پرهیز از پیامدهای خطرناک آن برای جهان بسیار محتاط عمل می‌کند و در عوض از کشمکش کشورهای نفت خیز و دول غربی حداکثر بهره‌گیری را در فروش نفت و گاز خود می‌نماید.

ولی بطور جدی متوجه اهمیت کنترل نفت در وضعیت جنگی جهان و تقابل با نیروهای ناتو است زیرا وابستگی ناتو و ماشین جنگی غرب به نفت خلیج فارس زیاد است و قطع آن به معنی به زانو درآوردن حریف در یک مسابقه جنگی خواهد بود.

همچنین شوروی می‌تواند با کنترل نفت خلیج فارس، فشار سیاسی و روانی لازم را به کشورهای غربی و ناتو وارد آورده و به اهداف اقتصادی و سیاسی و استراتژیک خود در سایر نقاط جهان برسد، همچنین شوروی می‌تواند از این اهرم برای ایجاد تشنگی در تشکل دول غربی و جهان سوم و جدائی آنها از امریکا استفاده نماید، شوروی با توجه به امکانات و تسهیلات تکنولوژیک و نظامی (هسته‌ای یا غیرهسته‌ای) و نزدیکی به سواحل دریای عمان و خلیج فارس امکان حضور در منطقه و قطع جریان نفت را دارد و از نظر شوروی کنترل خلیج فارس ساده‌تر از جنگ با غرب است.

نیازمندی به نفت خلیج فارس منحصر به دول غربی نیست و شوروی و هم‌پیمانان آن اگر چه

در حال حاضر نیازی به نفت خلیج فارس ندارند ولی بررسی‌ها و حجم ذخایر و مشکلات استخراج در این کشور نشان می‌دهد که شوروی نیز در آینده یکی از محتاجان نفت خلیج فارس هم برای صنایع نظامی و هم برای تولید انرژی و صنعت خود خواهد بود، بنابراین شوروی نیز در جستجوی جای پائی در خلیج فارس برای تأمین انرژی آینده خود می‌باشد.

یکی از اهداف شوروی هدف امنیتی است، شوروی برای برقراری امنیت مرزهای جنوبی اش کشور ایران و سواحل خلیج فارس را جزء حاشیه امنیتی خود می‌داند و لذا حفظ امنیت خلیج

فارس را امری ضروری می‌داند کما اینکه در جریان لشکرکشی غرب به خلیج فارس چه در دوران جنگ عراق علیه ایران و چه در جریان بحران کویت موضع این کشور موضع پرهیز از درگیری نظامی در منطقه بود و غیرنظامی شدن خلیج فارس و جستجوی راه حل‌های مسالمت‌آمیز و توسل به راه حل‌های سازمان ملل را مرتباً توصیه نمود، نزدیکی شوروی به خلیج فارس تأکید می‌کند که منطقه باید غیرنظامی باشد و این امر را شوروی اعلام نموده است.

شوروی بمنظور تضمین امنیت خود و ممانعت از حضور نیروهای رقیب در ایران در

شرایطی که بعد از جنگ جهانی اول خود در موضع قدرت بوده و دولت ایران در موضع ضعف قرار داشت اقدام به انعقاد عهدنامه مودت مابین ایران و روسیه نمود و بر اساس این عهدنامه که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو به امضاء رسید شوروی برای خود حق تجاوز نظامی به ایران را به بهانه دفاع از خود در شرایط وجود نیروی ثالث تهدید کننده در خاک ایران محفوظ داشت مواد پنج و شش عهدنامه شرح ذیل است:

ادامه دارد

بقيه از دیپلماسی

اسلامی ایران در مواجهه با دولتها، و دیپلماتهای دیگر کشورها، خواهد شد. برای توضیح بیشتر درباره اصل فوق صرفاً به یکی دیگر از کلمات امام خمینی اشاره می‌گردد:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم اینست که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحقّل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هوینها و ارزشهای معنوی و الهی ما نمی‌شناسند.»

(۶۷/۴/۲۹)

اگر چنین دیدگاهی محور سیاست‌گذارها قرار نداشته باشد، دستگاه سیاست خارجی کشور دائماً در حالت انفعال نسبت به برخوردهای از موضع اصولی دولتهای شرقی و غربی بسر خواهد برد و باید هر لحظه در انتظار تحقیر هر چه بیشتر اصول و ارزشهای مکتب و انقلاب و نظام خویش باشیم. و اگر بخواید اصول اسلام ناب محمدی (ص) محور سیاستها قرار گیرد، لاجرم می‌بایست در هر آنچه که امروزه تحت عنوان «عرف دیپلماسی» مبتنی بر ارزشهای مادپرگرای رایج و متداول است تجدید نظری اساسی نمود

تکلیف ما چیست؟

امام فرمودند: «نیاید شرکت بکنند و دلیل آن را هم بگویند که برای این جهت است که شرکت نمی‌کنند.»

در موردی دیگری از سفراء نوشته بود که: در بعضی مجالس که ما دعوت می‌شویم مشروبات الکلی وجود دارد و اگر ما نپذیریم و نرویم حمل بر چیزهای دیگر می‌شود و مشکلاتی در روابط پیش می‌آید.

حضرت امام فرمودند: «به جهتم. نیاید از این چیزها بترسند. نیاید برونند، دلیلش را هم بگویند تا آنها کم کم بفهمند برای چیست.»

(پاسدار اسلام شماره ۱۰۴ صفحه ۳۰)

وقتی دیپلماتهای نظام اسلامی در برخوردهایشان با امور روزمره حوزه مأموریت خویش اینگونه باشد آن وقت تأثیر، گسترش و کاربرد برخورد مکتبی رهبر آن نظام با مسأله‌ای همچون اعلام حکم اعدام نویسنده مرتد کتاب کفرآمیز آیات شیطانی بسیار بیشتر خواهد شد. البته واضح است که اینگونه اقدامات با دیپلماسی موجود در جهان تعارض دارد و همه نکته همین جاست که اصل کدامست دیپلماسی موجود در جهان یا پایبندی به اصول و ارزشهای مکتبی و انقلابی ما؟

ادامه دارد

و خودمان قواعد و مقرراتی مکتبی را تحت هر عنوان ولو «دیپلماسی اسلامی» یا «دیپلماسی انقلابی»، و بنا... پایه‌ریزی کرده و به جهانیان معرفی نمائیم. میزان موفقیت ما در این راه رابطه‌ای مستقیم با استقامت و پایبندی ما به این قواعد و مقررات یا به اصطلاح اصول دیپلماسی حاکم بر ارتباط با دولتهای جهان دارد.

بحمدالله در این زمینه نیز از امام اوامر و نواهی مشخص و تعیین کننده‌ای وجود دارد که می‌تواند به عنوان خطوط کتبی و دستورالعمل دائمی، ملاک عقیده و عمل «دستگاه دیپلماسی کشور» قرار گیرد. ذکر چند نمونه در این مقال، یاد آور نمونه‌های فراوانی از این دست خواهد بود. توجه کنید: «یکی از مسئولین وزارت خارجه (از امام خمینی «س») سؤال کرده بود:

در مورد سفراء و نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج همانگونه که در مناسبتها و مراسم مربوط به خودمان از دیگران دعوت می‌شود، آنها نیز برای مراسمشان از نمایندگان ما دعوت می‌کنند و اگر نمایندگان ما در مراسم آنها شرکت نکنند آنها نیز در مراسم ما شرکت نمی‌کنند. اشکال اینست که در مراسم و جلسات آنها، مشروبات الکلی و... هست آیا